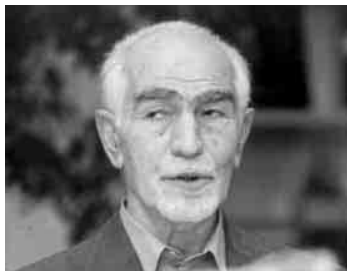


ویژگی‌های هنر اسلامی و وظیفه هنرمندان در عصر حاضر

زمان: دوشنبه، ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳

مکان: دانشگاه هنر اسلامی تبریز

سخنران: دکتر علی اکبر تجویدی



دکتر اکبر تجویدی روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳، میهمان دانشگاه هنر اسلامی تبریز بود و سخنرانی با عنوان "ویژگی‌های هنر اسلامی و وظیفه هنرمندان در عصر حاضر" را در جمع استادان و دانشجویان این دانشگاه ایراد کرد.

تجویدی در ابتدا با اشاره به اینکه از مطلع شدن وجود دانشگاه هنرهای اسلامی در تبریز بسیار خوشحال شده است، گفت: "جای چنین دانشگاهی در ایران خالی بود و این می‌تواند مقدمه خوبی برای تحقیق و پژوهش در مورد هنرهای اسلامی باشد."

وی در ادامه به کتاب مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی اشاره کرد و افزود: این اثر بسیار ارزشمند است، به خصوص که از نظر گرافیکی نشان می‌دهد ما در این رشته در ایران بسیار پیشرفت کرده‌ایم. وی در ادامه گفت: "مقالات و مطالب این کتاب هم بسیار حکیمانه نوشته شده است. وجود چنین استادانی مایه خوشبختی است و باید قدر این محیط، استادان و تحقیقات را دانست، چون چنین فرصتهایی در دنیا کم است." این محقق سپس به بحران شدید دنیای کنونی اشاره کرد و گفت: "مادر عصر ظلمت زندگی می‌کنیم و تمام دنیا، از جمله غرب در بحران شدید به سر می‌برد. در همین چند سال اخیر بیش از ۴۰ جلد کتاب با عنوان بحران در هنر نوشته شده و همه هنر شناسان غرب به درک گفته هگل رسیده‌اند که "هنر غرب در حال گذراندن پایان خود است."

وی در ادامه به مبحث زیبایی‌شناسی و تاریخچه آن پرداخت و بیان داشت: "در یونان قدیم زیبایی را عبارت از اصل مُثُلها و ایده‌های افلاطونی می‌دانستند. افلاطون در فقه می‌گوید ارواح در آغاز دارای پروبال بوده، در عوالم ملکوتی سیر می‌کردند و حقایق و مُثُلها، یعنی آن نشانه‌های نمادین اصلی یا بنیادین را می‌دیدند. بعد که ارواح دچار بستگی‌های غیر ملکوتی شدند، سنگین شده و به کره زمین افتادند و مُثُلها را فراموش کردند. اما هر وقت چیز زیبایی می‌بینند، به یاد مُثُلها می‌افتند و به آنها علاقه‌مند می‌شوند، اما ارسطو به مُثُل افلاطونی معتقد نیست. وی افزود: بعدها آن ایده‌های یونان قدیم فراموش شد و زیبایی‌شناسی به بخشی از فلسفه تبدیل شد."

این محقق در ادامه این بحث به کتاب استتیک "باوم گارتن" که در سال ۱۹۵۰ تألیف شده اشاره کرد و گفت: "بحران هنر در غرب از همین استتیک شروع شد. چون وقتی زیبایی‌شناسی از مبدأ اصلیش (عالم ملکوت) به پایین آمد و به ادراک حسی تبدیل شد، دیگر نتوانست در وادی علم قرار بگیرد؛ به قول دکارت، علم چیزی است که از کلیات صحبت می‌کند، نه از جزئیات؛ با ادراک عقلانی ما سروکار دارد، نه ادراک حسی؛ از آنجایی که ما سلیقه‌های مختلف در مسائل روانی داریم، دچار تحول هستیم و چیزی که در حال تحول است، نمی‌تواند علم باشد."

این پژوهشگر در ادامه سخنان خود به هنر اسلامی پرداخت و ضمن اشاره به اینکه در ایران و جهان اسلام مسئله علم الجمال، یعنی شناخت زیبایی در نزد ما مسئله ملکوتی بوده، گفت: هنوز هم ما می‌توانیم بگوییم زیبایی چیست، چون هر چه که ما می‌بینیم نشانه‌هایی از عوالم قدسی است. در اسلام ما سه نوع عالم داریم؛ عالم جسمانی، عالم عقلانی و عالم مثال یا خیال. عالم ملکوت فاصله بین عالم ناسوت (یعنی عالم جسمانی) و عالم جبروت (یعنی عالم عقلانی) است و آن عالمی که با هنر سر و کار دارد، عالم ملکوت است.

هنرمندی که با این عالم سر و کار دارد، هنرمند قدسی یا دینی است. به عنوان مثال مثال موسیقی باخ یک هنر قدسی است که وقتی در کلیساهای گوتیک نواخته می‌شود، روح انسان را عروج می‌دهد؛ همین طور آثار کمال‌الدین بهزاد.

اکبر تجویدی سپس به بحث فرهنگ چندین هزار ساله ایرانی پرداخت و گفت: تمام آرزوی من این است که ما در کشور صاحب فرهنگی همچون ایران که در تمدن اسلامی بزرگترین سهم را دارد، روزی بدون این که در مقابل پاره‌ای پیشرفتهای مادی غرب خودمان را ببازیم، شخصیت و هویت خودمان را حفظ کنیم و بتوانیم هنرمان را در دنیایی که در آن خلأ هنری ایجاد شده عرضه کنیم."

گفتنی است این جلسه با پرسش و پاسخ بین دکتر تجویدی و دانشجویان حاضر ادامه پیدا کرد.